

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۳۸۰ / ۴ / ۲۰



دانشگاه قم

دانشکده علوم انسانی

بیان نامه

دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

موضوع

حدود تکالیف، اختیارات و مسوولیت مدنی قیم

و بررسی تطبیقی آن در فقه امامیه

استاد راهنما

دکتر اسدالله امامی

012136

استاد مشاور

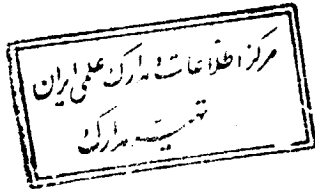
جناب آقای محمد باقر پارساپور

نگارنده

میثم مبشری ریزی

آذر ماه ۱۳۷۹

۳۵۲۳۳



بسمه تعالی

حدود تکالیف، اختیارات و مسوولیت مدنی قیم

ویرایشی از دکتر محمد انامیه

صفحه

عنوان:

مقدمه

۸	
۱۰	۱. فصل نخست : کلیات
۱۰	۲. تعریف قیم و قیمومت
۱۴	۳. تعریف قیم اتفاقی
۱۵	۴. تعریف قیم موقت
۱۷	۵. رابطه ولی و قیم
۱۹	۶. تعریف محجور و اشخاصی که نیاز به تعیین قیم دارند
۲۲	۷. مقایسه امین و قیم
۲۳	۸. ضروری بودن نصب قیم برای افراد فاقد ولی خاص پس از رسیدن به سن بلوغ
۲۵	۹. چه کسانی می توانند به سمت قیمومت تعیین شوند
۲۸	۱۰. نصب قیم در خارج از کشور
۲۹	۱۱. دادگاه صالح برای رسیدگی به امور قیمومت
۳۲	۱۲. تعیین شخص حقوقی به سمت قیم
۳۴	۱۳. عدم رعایت تشریفات دادرسی در نصب قیم
۳۵	۱۴. قیمومت طفل نامشروع
۳۷	۱۵. تفاوت قیمومت با فرزند خواندگی

- ۴۱ . ۱۶. تکلیف معامله محجور
- ۴۲ . ۱۷. فصل دوم : اختیارات و وظایف قیم
- ۴۴ . ۱۸. مبحث نخست : وظایف و اختیارات قیم در امور غیر مالی
- ۴۵ . ۱۹. کُمتار نخست : مواظبت شخص مولی علیه
- ۴۸ . ۲۰. کُمتار دوم : تربیت و اصلاح حال محجور
- ۵۱ . ۲۱. کُمتار سوم : حضانت و قیمومت
- ۵۷ . ۲۲. کُمتار چهارم : وظیفه قیم در ارتباط با حضانت در صورت وجود ابرین
- ۵۸ . ۲۳. کُمتار پنجم : اجازه اشتغال به کار محجور
- ۶۱ . ۲۴. کُمتار ششم : اجازه اداره بعضی از اموال به محجور
- ۶۱ . ۲۵. کُمتار هفتم : ازدواج و طلاق برای محجور
- ۶۲ . ۲۶. ۱- ازدواج و طلاق برای صغیر
- ۶۳ . ۲۷. ۲- ازدواج و طلاق برای سفیه
- ۶۵ . ۲۸. ۳- ازدواج و طلاق برای مجنون
- ۶۸ . ۲۹. کُمتار هشتم : اطلاع جنون یا سفه در زمان رسیدن به سن رشد
- ۶۹ . ۳۰. کُمتار نهم : اقامتگاه محجور و وظیفه قیم در این رابطه
- ۷۰ . ۳۱. کُمتار دهم : وظیفه قیم در انجام امور سجنی
- ۷۲ . ۳۲. کُمتار یازدهم : وظیفه قیم در انجام امور ثبئی
- ۷۳ . ۳۳. کُمتار دوازدهم : وظیفه قیم در تجدید نظر در احکام مربوط به حجر
- ۷۴ . ۳۴. کُمتار سیزدهم : در خواستها و اقدامات دیگر

- ۷۵ . ۳۵. **گفتار چهاردهم** : وظایف و اختیارات قیم اتفاقی در امور غیر مالی
- ۷۶ . ۳۶. **گفتار پانزدهم** : وظایف و اختیارات قیم موقت در امور غیر مالی
- ۷۷ . ۳۷. **مبحث دوم** : وظایف و اختیارات قیم در امور مالی
- ۷۹ . ۳۸. **بخش نخست** : اختیارات و وظایف قیم قبل از مداخله در امور مالی
- ۷۹ . ۳۹. **گفتار نخست** : تهیه صورت جامعی از کلیه دارایی
- ۸۱ . ۴۰. **گفتار دوم** : فرستادن صورت دارایی برای دادستان
- ۸۴ . ۴۱. **گفتار سوم** : وظایف دادستان پس از ارائه صوت دارایی
- ۸۶ . ۴۲. **گفتار چهارم** : درخواست مهر و موم ترکه
- ۸۹ . ۴۳. **بخش دوم** : اختیارات و وظایف قیم پس از مداخله در امور مالی
۴۴. **گفتار نخست** : پرداخت اجرت کسی که برای حفظ اموال از طرف دادستان یا دادرس معین شده است
- ۸۹
- ۹۱ . ۴۵. **گفتار دوم** : پرداخت هزینه محجور و اقارب او
- ۹۷ . ۴۶. **گفتار سوم** : نگاهداری اموال محجور
- ۱۰۰ . ۴۷. **گفتار چهارم** : فروش اموال ضایع شدنی
- ۱۰۲ . ۴۸. **گفتار پنجم** : فروش اموال منقول غیر لازم
- ۱۰۴ . ۴۹. **گفتار ششم** : فروش اموال غیر منقول یا رهن آن
- ۱۰۹ . ۵۰. **گفتار هفتم** : انجام معامله ای که در نتیجه آن قیم مدیون مولی علیه شود
- ۱۱۱ . ۵۱. **گفتار هشتم** : قرض گرفتن برای مولی علیه
- ۱۱۴ . ۵۲. **گفتار نهم** : معامله قیم با خود به سمت قیمومت از طرف مولی علیه

- ۱۱۸ .۵۳. کُمتار دهمه : صلح
- ۱۲۲ .۵۴. کُمتار یازدهم : حساب دادن سالی یک مرتبه
- ۱۲۵ .۵۵. کُمتار دوازدهم : تکلیف قیم در خصوص وجوه زاید بر احتیاج محجور
- ۱۲۹ .۵۶. کُمتار سیزدهم : تکلیف قیم به دادن تضمین
- ۱۳۲ .۵۷. کُمتار چهاردهم : اعمال حقوقی محجور و وظیفه قیم در این رابطه
- ۱۳۳ .۵۸. الف : وصیت
- ۱۳۵ .۵۹. ب: وقف
- ۱۳۷ .۶۰. ج : عاریه
- ۱۳۷ .۶۱. د : ودیعه
- ۱۳۸ .۶۲. ه : وکالت
- ۱۴۱ .۶۳. کُمتار پانزدهم : اقرار محجور و وظیفه قیم در این رابطه
- ۱۴۲ .۶۴. کُمتار شانزدهم : وظیفه قیم در خصوص قصاص و دیه
- ۱۴۵ .۶۵. کُمتار هجدهم : ادامه وظیفه حفاظت
- ۱۴۷ .۶۶. کُمتار هیجدهم : دادن حساب زمان تصدی
- ۱۵۰ .۶۷. کُمتار نوزدهم : اجرت قیم
- ۱۵۳ .۶۸. کُمتار بیستم : هزینه اداره اموال محجور
- ۱۵۴ .۶۹. کُمتار بیست و یکم : طرفیت دعاوی و اقامه دعوی
- ۱۵۷ .۷۰. کُمتار بیست و دوم : نظارت بر قیمومت
- .۷۱. کُمتار بیست و سوم : تعدد قیم ۱۶۰

- ۱۶۲ .۷۲. فصل سوم : بحث تطبیقی در قیمت
- ۱۶۲ **مبحث نخست** : فرانسه
- ۱۶۲ .۷۳. **گفتار نخست** : وظایف قلم در آغاز قیمت
- ۱۶۳ .۷۴. **گفتار دوم** : وظایف قلم در جریان قیمت
- ۱۶۴ .۷۵. **گفتار سوم** : وظایف قلم در پایان قیمت
- ۱۶۴ .۷۶. **گفتار چهارم** : اعمالی که قلم می تواند به تنهایی انجام دهد
- ۱۶۵ .۷۷. **گفتار پنجم** : اختیارات قلم با اجازه شورای خانواده
- ۱۶۶ .۷۸. **گفتار ششم** : اعمال ممنوع قلم
- ۱۶۶ .۷۹. **مبحث دوم** : قیمت در آلمان
- ۱۶۶ .۸۰. **مبحث سوم** : قیمت در سوئیس ، ایتالیا ، انگلوساکسون
- ۱۶۷ .۸۱. **فصل چهارم** : مسوولیت مدنی قلم
- ۱۶۷ .۸۲. **مبحث اول** : کلیات
- ۱۶۷ .۸۳. **گفتار نخست** : مفهوم مسوولیت قلم
- ۱۶۹ .۸۴. **گفتار دوم** : ماهیت مسوولیت قلم
- ۱۶۹ .۸۵. **گفتار سوم** : آیا مسوولیت قلم مبتنی بر تقصیر است یا عدم تقصیر
- ۱۷۱ .۸۶. **مبحث دوم** : مصادیق مصرح در قانون
- ۱۷۱ .۸۷. **گفتار اول** : تخلف در تنظیم صورت دارایی محجور
- ۱۷۳ .۸۸. **گفتار دوم** : وجوه زائد از احتیاج محجور

۱۷۳. ۸۹. **گفتار سوم** : تصرف در پول محجور به سود خود
۱۷۴. ۹۰. **گفتار چهارم** : مسوولیت کیفری بیم
۱۷۴. ۹۱. **مبحث سوم** : شرایط عمومی تحقق مسوولیت بیم
۱۷۵. ۹۲. **گفتار نخست** : ورود ضرر
۱۷۵. ۹۳. **بند نخست** : مفهوم ضرر
۱۷۷. ۹۴. **بند دوم** : شرایط زیان قابل مطالبه
۱۷۸. ۹۵. **گفتار دوم** : فعل زیانبار
۱۷۹. ۹۶. **گفتار سوم** : رابطه سببیت
۱۷۹. ۹۷. **مبحث چهارم** : شرایط اختصاصی تحقق مسوولیت بیم :
۱۸۰. ۹۸. **گفتار اول** : تقصیر بیم
۱۸۰. ۹۹. **بند اول** : تقصیر در مواظبت
۱۸۲. ۱۰۰. **بند دوم** : تقصیر در تربیت
۱۸۳. ۱۰۱. **گفتار دوم** : تقصیر طفل
۱۸۵. ۱۰۲. **مبحث پنجم** : آیا شرط اقامت مشترك در مسوولیت بیم مؤثر می باشد؟
۱۸۶. ۱۰۳. **مبحث ششم** : بخشی در ماده ۱۲۱۶ ق.م. و ماده ۷ ق.م.م
- 
۱۹۴. ۱۰۴. **مبحث هفتم** : بررسی يك رای وحدت رویه
۱۹۶. ۱۰۵. **مبحث هشتم** : مسوولیت مدنی چندقیم
۱۹۸. منابع و مأخذ



### مقدمه

یکی از مباحثی که تاکنون مورد بحث و بررسی دقیق و کامل قرار نگرفته است، مبحث حجر و قیمومت و خصوصاً قیمومت می باشد که به نظر می رسد با توجه به اینکه یکی از مسائل مبتلا به دادگاهها می باشد باید بیش از پیش مورد توجه و امعان نظر قرار گرفته و نکات مبهم آن روشن گردد. قانونگذار در کتاب دهم قانون مدنی به مساله حجر و قیمومت پرداخته و در ماده ۱۲۰۷ ق.م.م.قرمی دارد: ((اشخاص ذیل محجور و از تصرف در اموال حقوق مالی خود ممنوع هستند:

۱- صغار ۲- مجانین ۳- اشخاص غیر رشید)) و در ماده ۱۲۱۴ ق.م. معاملات و تصرفات غیر رشید را در اموال خود غیر نافذ دانسته، مگر آنکه با اجازه ولی یا قیم باشد. حال این سؤال پیش می آید که قیم کیست؟ شرایط لازم برای قیمومت چه می باشد؟ و قانونگذار در چه مواردی وجود چنین سمتی را لازم دانسته است؟ و سئوالاتی از این قبیل که مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

قانونگذار در ماده ۱۲۱۸ ق.م. برای سه دسته از افراد نصب قیم را لازم دانسته است. ۱- برای صغاری که ولی خاص ندارند. ۲- برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل به زمان صغرت آنها بوده و ولی خاص نداشته باشند. ۳- برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها

متصل به زمان صغرها نباشد. با توجه به لحن ماده ۲۱۸ و مواد بعدی به نظر می‌رسد قانونگذار با توجه به اینکه در گروهی از افراد جامعه توانایی اداره اموال خود را نمی‌بیند جهت حفظ نظم اجتماعی افراد خاصی را مکلف به تعیین قیم نموده است تا قیم به اداره امور شخص محجور بپردازد. حمایت از صغار و وضع قوانین مناسبی برای مواظبت و تربیت و تربیت شخص و اداره اموال آنان امروز مورد توجه قانونگذاران و حقوقدانان است.

اطفال امروز گردانندگان چرخهای اجتماع فرادین و نباید از سر نوشت آنان غفلت کرد. پیشرفت هر اجتماعی منوط به این است که در راه تعلیم و تربیت و تامین و تحریک و صلاح کودکان و نوجوانان خود بکوشد و بدین طریق افرادی با ایمان، شایسته و کاردان برای اداره امور اجتماع در آینده به بار آورد. عدم توجه به وضع کودکان و نوجوانان و سهل انگاری در تامین منافع مادی و معنوی آنان مایه ضعف و انحطاط اجتماعی خواهد بود. پس حمایت از صغار و اخذ تدابیر لازم جهت تامین منافع آنان از وظایف مهم رهبران اجتماع است. حقوق می‌تواند در زمینه حمایت از صغار نقش مهمی ایفاء نماید. قوانین و مقرراتی که وضع اطفال را در خانواده و خارج از آن مشخص می‌کند و مواظبت شخص و اداره اموال صغیر را موافق مصلحت و یی و اجتماع تامین می‌نماید، در این باب اهمیتی بسزا دارند.<sup>۱</sup>

مصلحت محجورین ایجاب می‌کند که اشخاصی موظف به اداره امور آنان و مأمور به انجام دادن اعمال حقوق به نمایندگی از آنان باشند. بدین منظور قانونگذار نهادهایی برای حمایت از محجورین پیش بینی کرده است. این نهاد در حقوق ایران عبارت از ولایت قهری، وصایت و قیمومت است.<sup>۲</sup> در خصوص مبحث ولایت قهری و وصایت بحثهای تقریباً جامعی صورت گرفته و کتب و مقالات متعددی در این باب به رشته تحریر درآمده است. ولیکن در خصوص قیمومت چندانکه شایسته این بحث است

<sup>۱</sup> - کاتوزیان، ناصر، بحواله حقوق خصوصی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱، ص ۱۳۰.

<sup>۲</sup> - صفایی، سید حسین، قاسم زاده، سید مرتضی، اشخاص و محجورین، نشر لیلی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۱.

تاکنون بررسی کافی صورت نگرفته است. بدینست در خصوص اهمیت قیومت و دانستن شرایط قیم روایتی را نقل می نمایم: شخصی بنام عبدالحمید بن سالم از طرف قاضی بعنوان قیم اموال صفیری منصوب شده بود. شخصی از دوستان امام باقر (علیه السلام) از حسرت در رابطه با قیومت عبدالحمید پرسید و حضرت در پاسخ فرمود: «اذا كان التيم به مملوك ومثل عبدالحميد بن سالم فلا بأس» یعنی اگر قیم که برای اداره اموال مجبور نصب می شود مثل تو و عبدالحمید باشد مانعی ندارد<sup>۱</sup> بنابراین باید افرادی مورد اطمینان برای قیومت انتخاب شوند و الا حق قیومت را نخواهند داشت. در این خصوص قواعد و مقررات متعددی وضع شده است ولیکن بموجب ماده واحده لایحه قانونی القاعه مقررات مختلفه باقانون مدنی راجع به ولایت و قیومت مصوب ۱۵/۷/۵۸)) قواعد و مقررات قانون مدنی راجع به ولایت و قیومت در مورد اطفال صغیر بقوت و اعتبار خود باقی است و مقررات مخالف با آن منغی می گردد)). بنابراین قوانینی که بعنوان منبع اصلی مأمورده مطالعه قرار خواهد گرفت ابتدا قانون مدنی و سپس قانون امور حسبی خواهد بود. علاوه بر این دو منبع لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب مهرماه ۱۳۵۸ و آراء وحدت رویه و نظریه های مشورتی نیز در موارد دنیا مورد استفاده قرار خواهد گرفت. در ضمن جهت هماهنگی با قوانین در این رساله بجای رئیس دادگستری همان واژه قیمی یعنی دادستان بکار رفته است که منظور رئیس حوزه قضایی یعنی است.

## ۱- فصل اول: کلیات

### ۲- تعریف قیم و قیومت:

قیومت نوعی از ولایت است که به منظور حمایت از کودکان و مجروران آغازین شود. این ولایت سه قهری و به حکم قانون ایجاد می شود و به قرار داد، استقراران قضایی دارد. یعنی عمومی و قضایی است.

<sup>۱</sup> طاهری، حبیب الله، حقوق مدنی، ج ۱، نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۵۵، ص ۱۵۹.

که در آن شایستگی قیم بیش از هر شرط دیگری اهمیت دارد<sup>۱</sup>. در اصطلاح لاتین guardian-conseratoy-mandatory-curator (در اسکاتلند) به معنی قیم آمده است و preponderance, trusteeship, guardianship به معنی قیمومت و (legelgurdin) به معنی قیم قانونی و guardianship, legal custody به معنی قیمومت قانونی و certificate of guardianship به معنای قیم نامه آمده است<sup>۲</sup>. در فرهنگ اصطلاحات حقوقی قیم به کسی اطلاق می‌شود که در فرض فقدان پدر و جد پدری یا وصی منصوب از طرف آماج‌هت امور مربوط به محجورین به عنوان قیم برگزیده می‌شود<sup>۳</sup>. در فرهنگ معین در تعریف قیم آمده است: ۱- راست، معتدل ۲- متولی و قف ۳- آنکه عهده دار سرپرستی کودک یتیم است<sup>۴</sup>. دکتر لنگرودی در تعریف قیم چنین آورده است: نماینده قانون محجور که از طرف مقامات صلاحیتدار قضایی در صورت نبودن ولی قهری و وصی او تعیین می‌شود. اختیارات قیم کمتر از اختیارات وصی است<sup>۵</sup>. دکتر صفایی قیم را کسی می‌داند که از طرف دادگاه به درخواست دادستان برای حمایت از محجور، یعنی مواظبت شخص او و اداره اموالش، تعیین می‌شود و سمت هر طبقه محجورین استواری نگویید و نصب قیم می‌شود که ولی خاص یعنی ولی قهری و وصی منصوب از طرف او که عهده دار اداره امور محجور است وجود نداشته باشد حفظ حقوق اینگونه از محجورین قبل از تعیین قیم به عهده دادستان است<sup>۶</sup>. در کتب فقهی تعریف دقیقی از قیم نمی‌توان بدست آورد و بطور کلی بنظر می‌رسد در مباحث فقهی جایگاه چندانی ندارد و فقهای مابیشتر از ولی و وصی و حاکم نام برده اند و وظایف و تکالیف و اختیارات این سه را بر شمرده اند به عنوان مثال در کتابهای الزیبه الفقهیه

۱- کاتوزیان، ناصر، حقوق خانواده، نشر کهنتر، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۲۴

۲- کریمی، اسحاق، فرهنگ لغات حقوقی فارسی انگلیسی، نشر سبهر، ۱۳۷۳، فصلی، مهرداد، فرهنگ حقوقی یادواره انگلیسی فارسی، نشر یادواره اسدی، ۱۳۷۵

۳- بخاری، محمد حسن، مرادی، علی اصغر، فرهنگ اصطلاحات فقهی، نشر الممن لثم ایران، ۱۳۷۳، چاپ اول، ص ۱۴۸

۴- معین، محمد، فرهنگ معین، نشر سبهر لهران، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۷۷۲

۵- حفتر لنگرودی، محمد حفتر، لمبولوژی حقوق، چاپ احمدی، ۱۳۷۲، ص ۵۵۹

۶- صفایی، سید حسین، مفاهیم و ضوابط جدید در حقوق مدنی، نشر مرکز تحقیقات، ۲۵۳۵ شاهنشاهی، صص ۲۸ و ۳۷

في شرح روضه البهيه تاليف السيد محمد حسين ترحيني ومن لا يحضره الفقيه تاليف ابن بابويه و حدائق الناضره تاليف شيخ يوسف البحراني و المختصر النافع تاليف محقق حلي از قيم سخني به میان نیامده است وليکن می توان گفت همان وظایفي که برعهده هريك از این سه می باشد برعهده قيم نیز هست . بعنوان مثال در کتاب لمعه دمشقيه در بحث حجر سخني از قيم به میان نیامده و تنها آمده است: (والولاية في الممالاب والجدفیشتر كان في الولاية، ثم الوصي، ثم الحاكم) در صورت نبودن پدر و جد پدري، وصي ایشان ولي در اموال صغير و دیوانه است، و در صورت نبودن وصي، ولایت از آن حاکم خواهد بود<sup>۱</sup> همانطور که مشاهده می شود شهید در مباحث خود هیچ صحبتی از قيم به میان نیاورده است یا در کتاب المختصر النافع تاليف محقق حلي و الزبدة الفقيهيه في شرح الروضه البهيه تاليف السيد محمد حسين ترحيني العاملي تنها آمده است که پدر و جد پدري بر صغير و مجنون ولایت دارند و در صورت فقدان آنها این ولایت با وصي و سپس با حاکم است<sup>۲</sup>. حضرت امام نیز در تحریر الوسیله سخني از قيم به میان نیاورده است و بعنوان مثال در بحث عدم نفوذ تصرفات سفیه چنین آورده است: (معني عدم نفوذ تصرفات السفیه عدم استقلاله، فلو كان باذن الولي او اجازته و نفذ، نعم فيما لا يجري فيه الفضوليہ بشكل صحته باجازه اللاحقه من الولي، ولو اوقع المعامله في حال سفیه ثم حصل الرشد فاجازها كانت كاجازه الولي)<sup>۳</sup> که معني عبارت فوق این است که مراد از عدم نفوذ تصرفات سفیه عدم استقلال او است، پس اگر با اجازة یا اذن ولي باشد صحیح و نافذ است. همانطور که مشاهده می شود حضرت امام در بحث و چگونگی اعمال سفیه هیچ صحبتی از قيم به میان نیاورده است و سپس در دنباله چنین آورده است (المجنون كالصغير في جميع

<sup>۱</sup> - شهيد اول ، لمعه دمشقيه ، ترجمه فارسي محسن غرويان و علي شيرازي ، نشر دارالفکر ، ۱۳۷۷ ، ص ۲۸۶

<sup>۲</sup> - ترحيني العاملي ، السيد محمد حسين ، الزبدة الفقيهيه في شرح الروضه البهيه ، نشر دارالمهادي بيروت ، ۱۴۱۶ هـ

۱۹۹۵م، صص ۱۱۷-۱۱۶

<sup>۳</sup> - امام خميني ، تحرير الوسیله ، نشر دارالکتب علميه قم ، ج دوم ، کتاب حجر ، القول في سفیه ، ص ۱۶ ، مساله ۳

ماذکر، نعم لو تجدد جنونه بعد بلوغه ورشده فالاقرب ان الولاية عليه للحاکم دون الاب والجد و وصيه مالکن لا ينبغي ترك الاحتياط بتوافقهما معاً<sup>۱</sup>. همانطور که مشاهده می شود در این بحث نیز از پدر و جد و وصي و حاکم نام برده شده است ولیکن از قيم نامي برده نشده است. بعقیده بعضي از فقها کسی که از جانب حاکم منصوب می گردد تنها در حد وکالت از سوي حاکم به اداره امور محجور می پردازد و در نتیجه با فوت حاکم (موکل) شخص منصوب از جانب وي نیز (وکیل) نیز منزل می گردد.<sup>۲</sup>

محمد حسین کاشف الغطاء در کتاب تحریر المجله شخصي که از طرف پدر و جد پدري به سرپرستی محجور تعیین می شود، قيم نامیده است و چنین آورده است: (و اذا فقدنا و لم یعینا قیماً فالولاية للحاکم الشرع) یعنی اگر پدر و جد پدري وجود نداشتند و قیمی رامعین نکرده باشند اداره اموال از آن حاکم شرع است بنظر می رسد آنچه فقیه مذکور بعنوان قيم نامیده است همان وصي باشد و آنها را لحاظ لفظي قيم نامیده شده است.<sup>۳</sup> در خصوص رابطه بین ولي و قيم در مباحث آینده سخن گفته خواهد شد ولیکن بحث ما در این رساله در مورد قيم می باشد که متأسفانه در اکثر کتب فقهی حتی در تعریف آن هم سخنی به میان نیامده است تا چه رسد به بیان وظایف او.

بطور کلی در يك تعريف کلی از قيم و قیمومت می توان گفت که قيم کسی است که از طرف دادستان برای اداره امور مالی و غیر مالی شخص محجور تعیین می شود.

در پایان ذکر این نکته لازم است که در حقوق ایران قیمومت سهمی است که در صورت فقدان ولي

فهری (پدر و جد پدري) و وصي منصوب از طرف ایشان بوسیله قاضي برای مواظبت شخص و اداره

<sup>۱</sup> - همان منبع، ص ۱۶، مساله ۴

<sup>۲</sup> - مجلسي، محمد نفی، ولاية الاولیاء، ص ۹۹

<sup>۳</sup> - آل کاشف الغطاء، محمد حسین، تحریر المجله، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۶۷

اموال محجوره کسی واگذار نمی گردد. لیکن در حقوق فرانسه اصولاً هنگامی آغاز می شود که پدر و مادر صغیر در قید حیات نباشند، یا صغیر پدر و مادر قانونی نداشته باشد.<sup>۱</sup>

### ۳- تعریف قیم اتفاقی:

ماده واحده قانون راجع به تعیین قیم اتفاقی مصوب ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۱۶ مقرر می دارد: ((در مواردی که تعقیب جرم موقوف به شکایت متضرر از جرم است، اگر متضرر آن جرم صغیر باشد ولی یا قیم ندارد، مدعی العموم مکلف است مطابق قانون برای صغیر قیم معین کند و هر گاه تعیین قیم موجب فوت وقت یا توجه ضرر روزیان نسبت به صغیر باشد تا تعیین قیم، مدعی العموم موقتاً کسی را بعنوان قیم اتفاقی تعیین می نماید و در مواقع ضرورت قبل از تعیین قیم اقدامات فوری را که برای حفظ آثار و دلایل جرم و تعقیب آن لازم است دستور می دهد. ولی ادامه تعقیب منوط است به اینکه قیم مصلحت صغیر را در تعقیب امر تشخیص کند و شکایت نماید.))

((در مواردیکه صغیر ولی یا قیم دارد ولی یا قیم او شخصاً مرتکب عمل شده و یا مداخله در جرم داشته و موافق قانون مدنی قیم اتفاقی هنوز معین نشده است نیز به همین ترتیب عمل خواهد شد و اگر قیم اتفاقی تعیین شده، وظیفه اقدام بر عهده او است.))<sup>۲</sup> همانطوری که از متن ماده مستفاد می گردد:

۱- تعیین قیم اتفاقی مشروط بر آن است که جرمی واقع شود که تعقیب آن جرم منوط به شکایت متضرر از جرم باشد.

۲- در تعیین قیم اتفاقی متضرر از جرم باید صغیر بوده و ولی یا قیم نداشته باشد. بنابراین تعیین قیم اتفاقی برای بچگون و سفیه پیش بینی نشده است. در خصوص سفیه شاید بتوان پذیرفت که با توجه بسبب اینکه سفیه تنها از تصرف در امور مالی خود ممنوع است و شخصاً می تواند در امور کیفری اقدام شکایت

<sup>۱</sup> - کاتوزیان، ناصر، بحواله حقوق خصوصی، ص ۱۴۱

<sup>۲</sup> - مجموعه قوانین و مقررات جزایی به اهتمام فوره قضاییه، زیر نظر حسن کریمی، ۱۳۷۷